Investigating the relationship between critical thinking and questioning method in proving monotheism based on Quranic verses

Fatemeh Javanbakht[1] *Sayyed Ebrahim Hosseini*[2]

Abstract

The basis of critical thinking is based on logical and reasoning thinking with analysis and inference, and one of the practical methods in this thinking is reasoning. In this thinking, in most cases, the preliminaries are stated and the result is left to the other side; That is, the most common use of critical thinking is through questioning. On the other hand, in matters of belief in the Holy Quran, it is based on thinking, reasoning and conclusion by the audience, and one of the most important methods of the Quran in expressing monotheistic arguments is the same method that is called critical thinking today. In the present article, the verses of the Quran have been examined with the focus on the argument in monotheism, which is in the form of questioning and often in the form of "rhetorical question" and "confessional question". The results of the research show that in matters of belief, the principle is based on thinking and reflection and is accompanied by logical conclusions and most of the verses in this field contain critical thinking, and there is a direct and comprehensive relationship between the method of questioning in the monotheistic discussions of the Quran and critical thinking.

Keywords: Monotheism, the Quran, critical thinking, questioning, reasoning.

1. Assistant Professor of Farhangian University of Shiraz. (Responsible author)
Email: fatemeh636@yahoo.com.
2. PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom University.
Email: sehosseini43@gmail.com.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

«دوفصلنامه فرهنگ پژوهی اخلاق در جامعه اسلامی»

سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

بررسی رابطه تفکر انتقادی با روش پرسش‌گری در اثبات توحید بر اساس آیات قرآن

فاطمه جوانبخت[۱]، سید ابراهیم حسینی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ – تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۲/۲۸)

چکیده

اساس تفکر انتقادی، بر اندیشه منطقی و استدلالی همراه با تحلیل و استنتاج استوار است و یکی از شیوه‌های کاربردی در این تفکر، استفهام است. در این تفکر، در بیشتر موارد مقدمات بیان می‌گردد و نتیجه‌گیری به طرف مقابل واگذار می‌گردد؛ یعنی بیشترین کاربرد تفکر انتقادی به شیوه پرسش‌گری است. از سویی اصل، در مسائل اعتقادی در قرآن کریم بر تفکر، تعقل و نتیجه‌گیری توسط مخاطب است و یکی از مهم‌ترین روش‌های قرآن در بیان استدلال‌های توحیدی همین روشی است که امروزه تفکر انتقادی نامیده می‌شود. در نوشتار حاضر آیات قرآن با محوریت استدلال در توحید که به شیوه پرسش‌گری و غالباً به شیوه «استفهام انکاری» و «استفهام تقریری» است، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در مسائل

۱. استادیار دانشگاه فرهنگیان شیراز. (نویسنده مسئول)
رایانامه: fatemeh636@yahoo.com.
۲. دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم.
رایانامه: sehosseini43@gmail.com.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

اعتقادی، اصل بر تفکر و تأمل همراه با نتیجه‌گیری منطقی است و اکثر آیات در این زمینه دربردارنده تفکر انتقادی است و میان روش پرسش‌گری در مباحث توحیدی قرآن و تفکر انتقادی ارتباط مستقیم و همه جانبه وجود دارد.

واژگان کلیدی: توحید، قرآن، تفکر انتقادی، پرسش‌گری، استدلال.

مقدمه

عقلانیت و اندیشه همواره نقش مهمی در زندگی و تصمیم‌گیری‌های اساسی انسان‌ها داشته و یکی از تفاوت‌های بارز انسان با سایر موجودات، قدرت تفکر و اندیشه‌ورزی است و به همین جهت انسان را حیوان ناطق (متفکر) نامیده‌اند. امروزه یکی از اقسام تفکر استدلالی و منطقی که به قضاوت بر روی عقاید و اعمال ما متمرکز است، تفکر انتقادی نامیده شده و یکی از مباحث مهم و جدی که در این تفکر مطرح شده «پرسش‌گری» است.

در اسلام نیز جایگاه عقل به عنوان حجت باطنی در کنار پیامبران به عنوان حجت‌های ظاهری مطرح است و در حوزه اعتقادات (بخصوص توحید) به عنوان پایه اندیشه دینی، اصل بر تفکر و تحقیق است و از دیدگاه همه علمای دین، تقلید در آنها جایز نیست. در حوزه استنباط احکام شرعی نیز عقل یکی از منابع اصلی فقه شمرده می‌شود؛ بنابراین، اساس اعتقادات در دین اسلام نیز تفکر و تعقل است هرچند به شیوه امروزی که به نام تفکر انتقادی شناخته می‌شود و مورد مداقّه قرار می‌گیرد، کمتر به آن توجه شده است. شیوه قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی و منبع اصلی دین، برای واداشتن انسان به اندیشیدن، تفکر و ارائه موضوع به شیوه‌ها و اشکال مختلف از جمله پرسش‌گری است. جالب اینکه پرسش‌گری بیشترین کاربرد را در

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

قرآن کریم در اثبات اصول دین دارد و بیشتر مباحث اعتقادی به خصوص توحید به صورت پرسش مطرح شده است.

اسلوب قرآن کریم در بحث توحید به عنوان رکن اصلی اعتقادات، به شیوه‌ای است که انسان با تفکر و تعقل خود بتواند به نتیجه برسد. برای رسیدن به این هدف از شیوه‌های متعددی مثل توجه دقیق به آسمان‌ها و زمین، نظم بدن انسان و موجودات اطراف (گاهی به شکل کلی و گاهی موارد بسیار جزئی و دقیق) و شرایط گذشته و آینده جهان اطراف انسان‌ها استفاده شده است. یکی از مهم‌ترین اسلوب‌های بیان استدلال‌های توحید، شیوه پرسش‌گری است که دربردارنده تفکر انتقادی است. در این اسلوب، معلوماتی به عنوان مواد اولیه تفکر در آیات شریفه ذکر گردیده و تحلیل و نتیجه‌گیری را به خود انسان واگذار می‌کند.

در این تحقیق، با ارائه نمونه‌های مختلفی از آیات قرآن که به شکل پرسش مطرح است و تأکید بر اینکه خداوند در قرآن همه انسان‌ها را دارای عقل و فکر و حواس دانسته –و کسانی را که از فکر خود به خوبی استفاده می‌کنند، می‌ستاید و کسانی را که عقل و فکر خود را به کار نمی‌گیرند، سرزنش کرده و حتی مقام آنان در حد چهارپایان تنزل داده است– می‌کوشیم به این سؤال پاسخ دهیم که آیا این روش قرآن، در مباحث توحیدی می‌تواند به صورت تفکر انتقادی یا همان واداشتن به تحلیل و استدلال باشد؟ آیا رابطه‌ای بین این شیوه قرآنی با تفکر انتقادی وجود دارد؟

پیشینه

یکی از موضوعات مهم و مورد تأمل در اصول دین و قرآن کریم توحید و خداشناسی است که تحقیقات زیادی در این رابطه تاکنون نگاشته شده است (از جمله براهین اثبات وجود خدا، محمدرضایی، محمد، ۱۳۸۵ و سیری در ادله اثبات وجود خدا، غرویان، محسن، ۱۳۷۱ و بررسی نظریه برهان پذیری وجود خدا در قرآن،

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

خوانین زاده، محمدحسین، ۱۳۹۳ و ...)؛ اما رابطه تفکر انتقادی با مسائل دینی به خصوص مسائل اعتقادی که از پشتوانه عقلی برخوردار است، از مسائلی است که باید مورد پژوهش و مطالعه بیشتر قرار گیرد. در مورد تفکر انتقادی آثار متعددی تألیف شده است؛ از جمله (درآمدی بر تفکر انتقادی، حسن قاضی مرادی، کتاب تفکر انتقادی، شارون مک کی) و مقالات متعددی نیز نوشته شده است؛ از جمله (تفکر انتقادی، علیرضا حسینی، ۱۳۹۰ و تفکر انتقادی، حجت‌الله عباسی، ۱۳۹۹). درباره استفهام و پرسش‌گری به عنوان قلب تفکر انتقادی نیز تاکنون پژوهش‌های مفیدی در زمینه‌های مختلف از جمله در قرآن انجام شده است؛ از جمله نیازی (۱۳۹۶) در مقاله: «پرسش‌گری خداوند در قرآن (مطالعه موردی: سوره یس)، ابعاد، زوایا و اهداف پرسش‌گری در سوره مبارکه یس را مورد بررسی قرار داده است. داوری (۱۳۹۶) در پژوهش «بررسی تطبیقی استفهام در دو سوره بقره و آل‌عمران از منظر علامه طباطبایی و زمخشری» استفهام حقیقی و مجازی، معانی آنها و تفاسیر مربوطه از دیدگاه علامه طباطبایی و زمخشری را مورد پژوهش قرار داده است. کریمیان (۱۳۹۵) در مقاله «تفکر انتقادی و تربیت اسلامی، وجوه افتراق و اشتراک» در بیان اشتراکات تفکر انتقادی و تربیت اسلامی مواردی مانند تحلیل، تفسیر، ارزشیابی و استباط را مورد بررسی قرار داده است و تفاوت در هدف را از افتراقات آنها دانسته است. محمدی (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل محتوای قرآن کریم بر اساس تفکر انتقادی» مصادیق و مؤلفه‌های نه‌گانه تفکر انتقادی را از قرآن کریم مورد بررسی قرار داده است. ملکی (۱۳۸۶) در مقاله «پرورش تفکر انتقادی هدف اساسی تعلیم و تربیت» ماهیت و مؤلفه‌های تفکر انتقادی و چگونگی تدریس و شکوفایی آن را بررسی کرده است. برومند (۱۳۸۴) در مقاله «بررسی مبانی پرسش‌گری در قرآن کریم با تأکید بر اهم معانی استفهام» نیز پرسش‌های حقیقی و غیر حقیقی در قرآن

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

کریم را مورد پژوهش قرار داده است. در رابطه با تفکر انتقادی نیز تاکنون پژوهش‌های مفصلی انجام شده است؛ اما در مورد تفکر انتقادی و رابطه آن با روش پرسش‌گری در اثبات توحید بر اساس آیات قرآن تاکنون مطلبی نوشته نشده است.

۱. ادبیات پژوهش

در این پژوهش با دو مفهوم اساسی سروکار داریم: استفهام و تفکر انتقادی. برای درک بهتر مطلب ابتدا تعریف روشنی از آنها ارائه می‌شود تا رابطه آنها به عنوان هدف این نوشته روشن شود.

۱-۱. استفهام

استفهام از اقسام انشاء است و به معنی طلب فهم و استخبار است (سیوطی، ۱۴۱۰، ۱۳۸/۲).

۱-۱-۱. اقسام استفهام: استفهام دو قسم مشهور دارد انکاری و تقریری:

۱-۱-۱-۱. استفهام انکاری: «در باب استفهام این مطلب در علوم ادبی مطرح است که استفهام (سؤال) گاهی استفهام حقیقی است یعنی در موردی است که کسی مطلبی را که نمی‌داند از شخص دیگر سؤال می‌کند و از او جواب می‌خواهد. ولی گاهی استفهام به منظور فهمیدن سؤال‌کننده نیست؛ بلکه بر عکس است و به منظور فهماندن به طرف مخاطب است. استفهام انکاری یعنی انسان امری را که می‌خواهد مورد انکار قرار بدهد و از مخاطب هم این انکار را اعتراف بگیرد، به صورت سؤال مطرح می‌کند؛ یعنی مطلبی را که می‌خواهد انکار و نفی کند و بگوید این طور نیست

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

و می‌خواهد این انکار و اعتراف به اینکه این طور نیست را از طرف بگیرد، به صورت استفهام و سؤال مطرح می‌کند (مطهری، ۱۳۹۲، ۱۸۱/۱۱).

۱-۱-۱-۲. استفهام تقریری: واداشتن مخاطب بر اقرار بر امری است که نزد او استفهام ثابت است (سیوطی، ۱۴۲۱، ۱۳۹).

۲. تفکر انتقادی

تفکر در لغت به معنای «به کار بردن دل در چیزی» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۶۵/۵)؛ و در اصطلاح منطقی: «مراد از فکر چیزی است که در هنگام عزم انسان برای انتقال از آنچه در ذهن او حاضر است، به سوی آنچه در ذهنش حاضر نیست، تحقق پیدا می‌کند» (ابن‌سینا، بی‌تا، ۱/ ۱۰- ۱۱۸). «انیس» (۱۹۸۵) صاحب‌نظران برای تفکر، ابعاد و جنبه‌های مختلفی مثل تفکر منطقی، تفکر تحلیلی، تفکر شهودی، تفکر همگرا، تفکر واگرا، تفکر انتقادی و... ذکر کرده‌اند (محمدی پویا، ۱۳۹۳، ۲۶)؛ و تفکر انتقادی را تفکر استدلالی و منطقی تعریف می‌کنند که به قضاوت بر روی عقاید و اعمال ما متمرکز است. تفکر انتقادی، فرآیند تفکر را با روش و قاعده کشف می‌کند که این نه تنها به معنای تعمق هدفمندانه است، بلکه آزمودن مدرک و منطقی است که ما و دیگران از آن استفاده می‌کنیم (سیف، ۱۳۷۹، ۵۵۰) یا توانایی و گرایش فرد برای سنجش نتایج امور و تصمیم‌گیری درباره آنها بر اساس شواهد است (همان، ۴۰۴). لیپمن از صاحب‌نظران تفکر انتقادی معتقد است تفکر انتقادی نسبت به تفکر عادی پیچیده‌تر است و مستلزم فرآیندهای عالی ذهن و داوری بر اساس شواهد و مدارک است؛ بر این اساس، مشخص کردن و بیان کردن مسائل، جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل پرسش‌ها، مشاهده و قضاوت درباره اعتبار یک منبع، سازمان‌دهی اطلاعات و نتیجه‌گیری و بررسی نتایج، همه فعالیت‌هایی هستند که در تفکر انتقادی رخ می‌دهند (محمدی پویا، ۱۳۹۳، ۳۴). منظور از انتقاد در اینجا، نگاه گله‌مندانه و شکایت‌آمیز نیست؛ بلکه نگاهی تیز بینانه است (سیف، ۱۳۷۹، ۵۵۰). تفکر صحیح

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

باید مستدل، منصفانه، فعال، به دور از سفسطه، تعصب، لجاجت و دور از بت‌های ذهنی همانند غرور، عجب و ترس باشد. تفکر صحیح سبب جرأت درونی، اعتماد به نفس، وحدت شخصیت، طرفداری از ارزش‌های انسانی، داشتن قدرت تجزیه و تحلیل، سعه صدر، عاقبت‌اندیشی و عاقبت‌نگری، ثبات عقیده و خودنقدپذیری می‌گردد (قاضی مرادی، ۱۳۹۳، ۱۶۱– ۲۱۶). شیوه تفکر انتقادی پس از خواندن و نوشتن و حساب کردن، چهارمین عنصر آموزش پایه و اساسی در برنامه درسی است (محمدی پویا، ۱۳۹۳، ۲۷).

۳. رابطه تفکر انتقادی با استفهام در قرآن کریم در مبحث توحید

رسیدن به حقیقت و اعتقاد پایدار در قرآن کریم اهمیت بسیار زیادی دارد. پرسش‌گری در قرآن کریم جهت تقویت قدرت استدلال، قدرت تمییز و داوری و سرانجام، هدایت و راهبری انسان است. در واقع توجه به پرسش‌گری، درگیر نمودن ذهن فرد با پرسش‌های فلسفی و بحث و گفتگو درباره آنها نقطه آغاز تفکر در فرد است (فیاض، ۱۳۸۸، ۱۳). استفهام از طرف خداوند در قرآن کریم، استفهام حقیقی نیس؛ بلکه مجازی است و به اغراض بلاغی صورت می‌گیرد؛ گاهی هدف از سؤال ارائه دلیل و حجت بر مطلبی است و در مقام آن کلام در مقام استدلال است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ۳۲۹/۱۱؛ طباطبایی،۱۳۷۶، ۴۲۹/۵). در اهمیت و ضرورت تفکر انتقادی باید گفت: این نوع از اندیشه، تفکری جوابگو و ماهرانه است که به قضاوت خوب افراد نسبت به خود، دیگران و جامعه در زمان حال منجر می‌شود. فکر انتقادی در جامعه، افراد را از حالت انفعالی بیرون می‌آورد و به آنها مهارت‌ها و توانایی‌هایی می‌بخشد تا به جای تقلید کورکورانه از الگوها و پذیرش بی‌چون و چرای والدین، معلمان، سیاست‌مداران و رسانه‌ها بتوانند با تمسک به تفکر و اندیشه انتقادی در جستجوی حقیقت و کوشش برای درک پدیده‌های اجتماعی غفلت نورزند (صحرایی پاریزی، ۱۳۹۹، ۶۵؛ سلطان القرایی، ۱۳۸۷، ۱۹۰).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

٤. شیوه‌های تفکر انتقادی درباره توحید در قرآن کریم

اصلی‌ترین پیام قرآن تأکید بر توحید و نفی صریح و قاطعانه هرگونه شرک است و روح تمامی آیات قرآن توحید است. برخی آیات قرآن به اثبات توحید به اشکال مختلف پرداخته و برخی از استدلال‌ها همان است که بر اساس مبانی علمی، به نوعی تفکرانتقادی است از جمله:

٤-١. استنتاج به شیوه حل مسئله

مهارت استنتاج، در مرحله اول، به معنای مشخص و فراهم نمودن عناصری است که برای طرح و تدوین نتایج مستدل و عقلانی لازم‌اند. در این مرحله، استنتاج یعنی استفسار یا به‌پرسش‌گذاشتن اطلاعات، نشانه‌ها، شواهد و مدارک مشخص و فراهم‌شده برای رسیدن به این نتیجه‌گیری که آنها چه معنایی دارند و دلالت‌هایشان چیست؛ و مرحله آخر شکل دادن به گمانه‌ها و فرضیه‌ها است (قاضی مرادی، ۱۳۹۳، ۱۲۶). حل مسئله یک فعالیت عالی ذهنی و عقلی است که دانشجو با بررسی مسئله و احتمالات آن به دانش و مهارت تازه‌ای دست می‌یابد (احسانی،۱۳۹۴، ۱۵۳).

در آیات ذیل درباره خالقیت باری تعالی از منکران ایشان اقرار گرفته می‌شود تا نتیجه مطلوب حاصل گردد.

«وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ؛ و هرگاه از آنان بپرسی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را مسخّر کرده است؟ می‌گویند: اللّه! پس با این حال چگونه آنان را (از عبادت خدا) منحرف می‌سازند؟!» (عنکبوت، ۶۱).

«وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لاَ يَعْقِلُونَ؛ و اگر از آنان بپرسی: چه کسی از آسمان

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

آبی فرستاد و بوسیله آن زمین را پس از مردنش زنده کرد؟ می‌گویند: اللّه! بگو: حمد و ستایش مخصوص خداست! امّا بیشتر آنها نمی‌دانند» (عنکبوت، ۶۳).

«وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لاَ يَعْلَمُونَ؛ و هرگاه از آنان سؤال کنی؛ چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ مسلماً می‌گویند: اللّه، بگو: الحمد للّه (که خود شما معترفید)! ولی بیشتر آنان نمی‌دانند!» (لقمان، ۲۵).

«وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَ فَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ؛ و اگر از آنها بپرسی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده؟ حتماً می‌گویند: خدا! بگو: آیا هیچ درباره معبودانی که غیر از خدا می‌خوانید اندیشه می‌کنید که اگر خدا زیانی برای من بخواهد، آیا آنها می‌توانند گزند او را برطرف سازند؟! و یا اگر رحمتی برای من بخواهد، آیا آنها می‌توانند جلو رحمت او را بگیرند؟! بگو: خدا مرا کافی است؛ و همه متوکلان تنها بر او توکّل می‌کنند!» (زمر، ۳۸).

در این آیه شروع به اقامه حجت شده و قبل از اقامه، مقدمه‌ای آمده که حجت مذکور مبتنی بر آن است؛ مقدمه‌ای که خود خصم، آن را قبول دارد و آن این است که خالق عالم خدای سبحان است؛ چون خصم در این مسئله هیچ نزاعی ندارد، او هم معتقد است که آفریننده تنها خداست و خدا در آفرینش شریک ندارد و شرکای ایشان به زعم ایشان، شریک در تدبیر خلق‌اند، نه در آفرینش (طباطبایی، ۱۳۶۷، ۴۰۳/۱۷). این روش دقیقاً شیوه تفکر انتقادی است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

«وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ؛ هرگاه از آنان بپرسی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ مسلماً می‌گویند: خداوند قادر و دانا آنها را آفریده است!» (زخرف، ۹).

«وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ؛ اگر از آنها بپرسی چه کسی آنان را آفریده، قطعاً می‌گویند: خدا؛ پس چگونه از عبادت او منحرف می‌شوند؟!» (زخرف، ۸۷).

«قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ مَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَ فَلاَ تَتَّقُونَ؛ بگو: «چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی مالک (و خالق) گوش و چشم‌هاست؟ و چه کسی زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و چه کسی امور (جهان) را تدبیر می‌کند؟» به‌زودی (در پاسخ) می‌گویند: «خدا»، بگو: «پس چرا تقوا پیشه نمی‌کنید (و از خدا نمی‌ترسید)؟!» (یونس، ۳۱).

آیات فوق الذکر پرسش و پاسخ با شیوه تفکر انتقادی است؛ یعنی درباره خالقیت خداوند از کافران و مشرکان سؤال پرسیده شده و جواب آنها نیز آمده است؛ این نوع سؤال و جواب نوعی تفکر انتقادی و استنتاج به شیوه حل مسئله است. در بعضی آیات نیز با اینکه پاسخ بدیهی و روشن است، اما قضاوت را به عهده خود شخص می‌گذارد که آن هم در واقع شکلی از تفکر انتقادی به شیوه حل مسئله به صورت غیرمستقیم است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

٤-۲. تحلیل به صورت طرح سؤال

«تحلیل به معنای شناسایی و تعیین ارتباط‌های استنتاجی موجود یا مورد نظر گزاره‌ها، پرسش‌ها، مفاهیم، توصیفات و دیگر اشکال ارائه مطلب است. ارتباط‌های استنتاجی به معنی روابطی است که نشان می‌دهند میان گزاره‌ها، پرسش‌ها، مفاهیم، توصیفات و... کدام یک مقدمه و کدام یک نتیجه‌اند» (قاضی مرادی، ۱۳۹۳، ۱۰۰). می‌توان گفت در این نوع مهارت تفکر انتقادی از شیوه طرح سؤال استفاده شده است. تفاوت این شیوه با روش حل مسئله این است که در روش حل مسئله، مرحله آخر شکل دادن به گمانه‌ها و فرضیه‌ها است؛ اما در شیوه طرح سؤال، مخاطب را وادار به تفکر درباره مفهوم و موضوع جدید می‌کند تا او با استفاده از نیروی عقل و خردورزی، به اندیشه جدیدی دست یابد (احسانی، ۱۳۹۴، ۱۷۱). این شیوه نیز نوعی تفکر انتقادی و فعالانه است که هدف آن بیدارسازی، رشد و پرورش قوه تفکر و اندیشه آدمی است تا با خردورزی آگاهانه به استقلال فکری و شناخت حقایق عالم نائل شود (همان، ۱۷۲).

در قرآن کریم آیاتی که با «ألم تَرَ، أوَ لم یروا، ألم تعلم، ألم تروا، أو لم یتفکروا و أو لم ینظروا» در مبحث توحید نظری بیان شده است، مخاطب را دعوت به تأمل و اندیشیدن عمیق درباره خالقیت، تدبیر عالم هستی، مالکیت و حاکمیت باری تعالی می‌کند؛ مانند:

«أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ یُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَ یُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ کُلٌّ یَجْرِی إِلَی أَجَلٍ مُسَمًّی وَ أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ؛ آیا ندیدی که خداوند شب را در روز و روز را در شب داخل می‌کند و خورشید و ماه را مسخر ساخته و هر کدام تا سرآمد یعنی به حرکت خود ادامه می‌دهند؟! خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است» (لقمان، ۲۹).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

«أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ یُعَذِّبُ مَنْ یَشَاءُ وَ یَغْفِرُ لِمَنْ یَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ؛ آیا نمی‌دانی که حکومت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن خداست؟ هرکس را بخواهد (و مستحق بداند)، کیفر می‌کند؛ و هرکس را بخواهد و شایسته بداند، می‌بخشد؛ و خداوند بر هر چیزی قادر است» (مائده، ۴۰).

«أَ لَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَکُمْ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِی الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یُجَادِلُ فِی اللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَ لاَ هُدًی وَ لاَ کِتَابٍ مُنِیرٍ؛ آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما کرده و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟! ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خدا مجادله می‌کنند!» (لقمان، ۲۰).

«أَوَلَمْ یَتَفَکَّرُوا فِی أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَیْنَهُمَا إِلاَّ بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُسَمًّی وَ إِنَّ کَثِیراً مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَکَافِرُونَ؛ آیا آنان با خود نیندیشیدند که خداوند، آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است جز به‌حق و برای زمان معینی نیافریده است؟! ولی بسیاری از مردم (رستاخیز و) لقای پروردگارشان را منکرند!» یا بعضی دیگر از آیات سؤال درباره نوع آفرینش است» (روم، ۸).

«أَوَلَمْ یَنْظُرُوا فِی مَلَکُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَیْءٍ وَ أَنْ عَسَی أَنْ یَکُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَیِّ حَدِیثٍ بَعْدَهُ یُؤْمِنُونَ؛ آیا در حکومت و نظام آسمان‌ها و زمین و آنچه خدا آفریده است، (از روی دقت و عبرت) نظر نیفکندند؟! (و آیا در این نیز اندیشه نکردند که) شاید پایان زندگی آنها نزدیک شده

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

باشد؟! (اگر به این کتاب آسمانی روشن ایمان نیاورند)، بعد از آن به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟!» (اعراف، ۱۸۵).

«أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا لَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِیٍّ وَ لاَ نَصِیرٍ؛ آیا نمی‌دانستی که حکومت آسمان‌ها و زمین، از آن خداست؟! (و حق دارد هرگونه تغییر و تبدیلی در احکام خود طبق مصالح بدهد؟!) و جز خدا، ولی و یاوری برای شما نیست (و اوست که مصلحت شما را می‌داند و تعیین می‌کند» (بقره، ۱۰۷).

«قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَکُمْ وَ أَبْصَارَکُمْ وَ خَتَمَ عَلَی قُلُوبِکُمْ مَنْ إِلهٌ غَیْرُ اللَّهِ یَأْتِیکُمْ بِهِ انْظُرْ کَیْفَ نُصَرِّفُ الْآیَاتِ ثُمَّ هُمْ یَصْدِفُونَ؛ بگو: به من خبر دهید اگر خداوند، گوش و چشم‌هایتان را بگیرد و بر دل‌های شما مهر نهد (که چیزی را نفهمید)، چه کسی جز خداست که آنها را به شما بدهد؟! ببین چگونه آیات را به گونه‌های مختلف برای آنها شرح می‌دهیم، سپس آنها روی می‌گردانند!» (انعام، ۴۶).

«أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَاداً؛ وَ الْجِبَالَ أَوْتَاداً؛ وَ خَلَقْنَاکُمْ أَزْوَاجاً؛ وَ جَعَلْنَا نَوْمَکُمْ سُبَاتاً؛ وَ جَعَلْنَا اللَّیْلَ لِبَاساً؛ وَ جَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشاً؛ وَ بَنَیْنَا فَوْقَکُمْ سَبْعاً شِدَاداً؛ وَ جَعَلْنَا سِرَاجاً وَهَّاجاً؛ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجاً؛ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبّاً وَ نَبَاتاً؛ جَنَّاتٍ أَلْفَافاً؛ آیا زمین را محل آرامش (شما) قرار ندادیم؟! و کوه‌ها را میخ‌های زمین؟! و شما را به‌صورت زوج‌ها آفریدیم! و خواب شما را مایه آرامشتان قرار دادیم و شب را پوششی (برای شما) و روز را وسیله‌ای برای زندگی و معاش! و بر فراز شما هفت (آسمان) محکم بنا کردیم! و چراغی روشن و حرارت بخش آفریدیم! و از ابرهای باران‌زا آبی فراوان نازل کردیم تا بوسیله آن دانه و گیاه بسیار برویانیم و باغ‌هایی پردرخت!» (نبأ، ۶ – ۱۶).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

۵. تحلیل مطلب

پس از بیان مفهوم و اقسام استفهام و مفهوم تفکر انتقادی و اشکال مختلف آن، اکنون می‌توان تحلیل روشنی از رابطه اقسام استفهام با تفکر انتقادی ارائه نمود:

۵-۱. رابطه استفهام تقریری و تفکر انتقادی

یکی از مبانی اساسی قرآن کریم استدلال در ظاهر و باطن آیات است. استفهام تقریری با عبارت‌های «ألم تعلم»، «ألم ترَ»، «ألم یروا»، «ألم تروا»، «أولم یروا» و گاهی با «أ» یا «أمّن» بیان شده است که دعوت به استدلال می‌کند.

در استفهام تقریری از مخاطب یا اقرار ما بعد ادات استفهام خواسته می‌شود یا اثبات استفهام؛ مانند: «أَ لَیْسَ اللَّهُ بِکافٍ عَبْدَهُ » (انعام، ۴۶) (عبدالکریم محمود یوسف، ۱۴۲۱ق، ۱۷).

آیات ذکرشده در جدول شماره یک با عبارت‌های «ألم تعلم، ألم تر، ألم تروا، ألم یروا، ألم تعلم» شروع شده است و در بحث توحید، سؤال راجع به آفرینش جهان، تغییرات در عالم و مسخر کردن موجودات برای انسان است؛ پاسخ این سؤالات واضح و روشن است و هرکسی به آن اقرار می‌کند؛ اما در واقع به صورت غیر مستقیم انسان را به تفکر و استدلال در این موضوع دعوت می‌کند.

آیات شریفه (یس، ۸۱)، (مرسلات، ۲۵– ۲۷)، (بلد، ۸– ۱۰) و (علق، ۱۴) که درآن ادات استفهام به کار رفته «أ» است و درباره خالقیت خداوند، ربوبیت پروردگار و صفات باری تعالی است، همگی به وسیله استفهام تقریری تحلیل و استدلال را به مخاطب واگذار می‌کند تا با تفکر انتقادی و بررسی تمام معلوماتی که در اختیارش قرار داده شده خود به نتیجه مطلوب برسد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

۵-۲. رابطه استفهام انکاری با تفکر انتقادی

در آیاتی که در ذیل آمده، در رابطه با استدلال در توحید و تفکر انتقادی، به صورت غیر مستقیم، به تفکر و تأمل درباره سؤال خواسته شده دعوت شده است که غالباً با «أ» یا گاهی مواقع با «من»، «أنّی» و «هل» آمده است.

آیاتی درباره اثبات توحید در خالقیت به صورت استفهام بیان شده است که ایجاد برانگیختگی در تحلیل بر باور به خالقیت خداوند دارد؛ مانند آیات: «قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَ فِی اللَّهِ شَکٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ...» (ابراهیم، ۱۰)؛ «قُلْ أَ غَیْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِیّاً فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ یُطْعِمُ وَ لاَ یُطْعَمُ قُلْ إِنِّی أُمِرْتُ أَنْ أَکُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَ لاَ تَکُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِکِینَ؛ بگو: «آیا غیر خدا را ولیّ خود انتخاب کنم؟! (خدایی) که آفریننده آسمان‌ها و زمین است؛ اوست که روزی می‌دهد و از کسی روزی نمی‌گیرد.» بگو: «من مأمورم که نخستین مسلمان باشم؛ و (خداوند به من دستور داده که) از مشرکان نباش!»» (انعام، ۱۴).

یا سؤالاتی درباره توحید ربوبی مطرح می‌شود که هدفش تأمل در ربوبیت خداوند است، مانند: «قُلْ أَ تُحَاجُّونَنَا فِی اللَّهِ وَ هُوَ رَبُّنَا وَ رَبُّکُمْ وَ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَکُمْ أَعْمَالُکُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ؛ بگو: «آیا درباره خداوند با ما محاجه می‌کنید؟! در حالی که او، پروردگار ما و شماست؛ و اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن شماست؛ و ما او را با اخلاص پرستش می‌کنیم، (و موحد خالصیم)»» (بقره، ۱۳۹).

٦. اقامه برهان بر توحید با طرح سؤال

قرآن کریم برای اثبات توحید و نفی شرک از استفهام بهره می‌برد و در آیات پنج‌گانه زیر هر عبارتی با سؤال «أمّن» شروع و سپس عبارت استفهامی «أَ إِلهٌ مَعَ

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

اللَّهِ» آورده می‌شود و این سؤالات برای ایجاد انگیزه در تفکر و اندیشیدن درباره اقسام توحید است.

در آیات ۶۰ تا ۶۴ سوره مبارکه نمل بعد از هر فصلی می‌فرماید: «أَ إِلهٌ مَعَ اللَّه؛ آیا با خدا خدایی دیگر است؟»، لذا در جمله مورد بحث، رسول به گرامی خود دستور می‌دهد از مشرکین مطالبه برهان کند، که به چه دلیل خدایان شما خدایند؟ با این هدف که وقتی از آوردن برهان عاجز ماندند خود بفهمند که در ادعای خویش گزافه‌گو و در عقیده‌شان خرافی هستند؛ زیرا اگر بخواهند به راستی درباره الوهیت، دلیلی بیاورند، باید آن دلیل تدبیر ناحیه‌ای از عالم باشد، در حالی که ثابت شد که تدبیر تمامی خلایق از خدا به تنهایی است (طباطبایی، ۱۳۷۶، ۵۵۲/۱۵).

«أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ؛ أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَاراً وَ جَعَلَ خِلاَلَهَا أَنْهَاراً وَ جَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزاً أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لاَ يَعْلَمُونَ؛ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَنْ يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْراً بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ (آیا بتهایی که معبود شما هستند بهترند) یا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده؟! و برای شما از آسمان، آبی فرستاد که با آن، باغ‌هایی زیبا و سرورانگیز رویاندیم؛ شما هرگز قدرت نداشتید درختان آن را برویانید! آیا معبود دیگری با خداست؟! نه بلکه آنها گروهی هستند که (از روی نادانی، مخلوقات را) هم‌طراز (پروردگارشان) قرار می‌دهند! یا کسی که زمین را مستقر و آرام قرار داد و میان آن نهرهایی روان ساخت و برای آن کوه‌های ثابت و پابرجا ایجاد کرد و میان

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

دو دریا مانعی قرار داد (تا با هم مخلوط نشوند؛ با این حال) آیا معبودی با خداست؟! نه بلکه بیشتر آنان نمی‌دانند (و جاهلند)! یا کسی که دعای مضطرّ را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکّر می‌شوید! یا کسی که شما را در تاریکی‌های صحرا و دریا هدایت می‌کند و کسی که بادها را به‌عنوان بشارت پیش از نزول رحمتش می‌فرستد؛ آیا معبودی با خداست؟! خداوند برتر است از آنچه برای او شریک قرار می‌دهند! یا کسی که آفرینش را آغاز کرد، سپس آن را تجدید می‌کند و کسی که شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! بگو: «دلیلتان را بیاورید اگر راست می‌گویید!» (نمل، ۶۰ تا ۶۴).

در آیات فوق پرسش‌گری از خالقیت: **أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ، أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ**؛ ربوبیت و تدبیر عالم هستی: **أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا، أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَاراً وَ جَعَلَ خِلاَلَهَا أَنْهَاراً وَ جَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزاً، أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَنْ يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْراً بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ، وَ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ**؛ الوهیت: **أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ، أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ، أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ**؛ و نهایتاً از منکرین اقامه دلیل خواسته شده است: **قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ**.

۷. انواع کاربرد استفهام در اثبات توحید

در بعضی از سوره‌های قرآن، استفهام در باب اثبات توحید و آثار آن، تکرار شده و مخاطب را به اندیشه وامی‌دارد. مثلاً: ۱- در سوره مبارکه الرحمن سی و یک مرتبه

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

پشت سر هم با بیانی که با نوعی توبیخ و عتاب همراه است از انسان‌ها سؤال می‌کند: «فَبِأَیِّ آلاءِ رَبِّکُما تُکَذِّبانِ؛ پس (ای جن و انس) کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟»

۲- در سوره مبارکه نمل در آیات ۶۰ تا ۶۴ استفهام به صورت مکرر و ترکیبی از دو استفهام انکاری و تقریری در هر آیه تکرار شده که دلالت بر تأکید بیشتر می‌کند:

– در بعضی آیات، استفهام مطرح می‌شود و عبارات دیگری به آن عطف می‌شود که در حکم یک مطلب هستند؛ مانند: «أَ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَیْنَیْنِ؛ وَ لِساناً وَ شَفَتَیْنِ؛ وَ هَدَیْناهُ النَّجْدَیْنِ؛ آیا برای او دو چشم قرا ندادیم و یک زبان و دو لب و او را به راه خیر و شر هدایت کردیم» (بلد، ۸- ۱۰).

– در بعضی آیات، استفهام ترکیبی از تکرار یکی از ادات استفهام با حرف استفهام دیگر است؛ مانند «یَا أَیُّهَا النَّاسُ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَیْکُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَیْرُ اللَّهِ یَرْزُقُکُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لاَ إِلهَ إِلاَّ هُوَ فَأَنَّی تُؤْفَکُونَ؛ ای مردم! به یاد آورید نعمت خدا را بر شما؛ آیا آفریننده‌ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟! هیچ معبودی جز او نیست؛ با این حال چگونه به سوی باطل منحرف می‌شوید؟!» (فاطر، ۳؛ یونس، ۳۱ و نمل، ۶۴)

در جدول ذیل آیاتی که استدلال‌های توحیدی را به صورت استفهام بیان نموده آورده شده است؛ همه آیات به اشکال مختلف، شنونده را به اندیشیدن درباره خالقیت، ربوبیت و مالکیت دعوت می‌کند. آیات در این دسته به صورت انکاری و تقریری بیان شده و کیفیت استدلال شبیه آیات فوق است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

جدول شماره یک	
کاربرد	آیات مربوطه
ألم تر	بقره، ۲۵۸؛ ابراهیم، ۱۹؛ حج، ٦٥؛ لقمان، ۲۹؛ لقمان، ۳۱؛ نور، ٤۳؛ فرقان، ٤٥؛ فاطر، ۲۷؛ زمر، ۵۸؛ مجادله، ۷؛ نوح، ۱۵.
أولم یروا	نحل، ٤۸؛ نحل، ۷۹؛ اسراء، ۹۹؛ شعراء، ۷؛ نمل، ۸٦؛ عنکبوت، ۱۹؛ روم، ۳۷؛ سجده، ۲۸؛ سبأ، ۹؛ یس، ۷۱؛ أحقاف، ۳۳؛ ملک، ۱۹
ألم تعلم	بقره، ۱۰۷؛ مائده، ٤۰؛ حج، ۷۰؛ مائده، ٤۰؛ ابراهیم، ۱۹؛ حج، ۱۸؛ حج، ٦۳؛ حج، ٦٥؛ حج، ۷۰؛ نور، ٤۱؛ نور، ٤۳؛ فرقان، ٤٥؛ لقمان، ۲۹؛ لقمان، ۳۱؛ سجده، ۲۷؛ فاطر، ۲۷؛ یس، ۷۱؛ احقاف، ۳۳؛ مجادله، ۷۰؛ نوح، ۱۵؛ ملک، ۱۹؛ علق، ۱٤؛ ق، ٦؛ اعراف، ۱٤۰؛ روم، ۸؛ بقره، ۱۰٦.
أرأیتم – أفرأیتم	انعام، ٤٦؛ یونس، ۵۹؛ قصص، ۷۱ و ۷۲؛ فاطر، ٤۰؛ زمر، ۳۸؛ فصلت، ۵۲؛ احقاف، ٤؛ واقعه، ۵۸، ٦۳ و ٦۸؛ ملک، ۲۸ و ۳۰.
ألم تروا	لقمان، ۲۰؛ نوح، ۱۵.
أو لم ینظروا	أعراف، ۱۸۵؛ ق، ٦.
أو لم یتفکّروا	روم، ۸.
ألم نجعل	مرسلات، ۲۵– ۲۷؛ نبأ، ٦– ۱٦؛ بلد ۸– ۱۰.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

جدول شماره دو	
ادات استفهام	آیات مربوطه
مَن	یونس، ۳۱؛ رعد، ۱۶؛ رعد، ۳۳؛ مؤمنون، ۸۴؛ مؤمنون، ۸۶؛ مؤمنون، ۸۸؛ نمل، ۶۰؛ نمل، ۶۱؛ نمل، ۶۲؛ نمل، ۶۳؛ نمل، ۶۴؛ احزاب، ۱۷؛ سبأ، ۲۴.
أیّ	غافر، ۸۱؛ نجم، ۵۵.
أ	بقره، ۱۳۹؛ انعام، ۱۴؛ انعام، ۴۶؛ انعام، ۷۱؛ انعام، ۸۰؛ انعام، ۹۵؛ انعام، ۱۶۴؛ اعراف، ۱۴۰؛ اعراف، ۱۸۵؛ اعراف، ۱۹۱؛ اعراف، ۱۹۵؛ یونس، ۳؛ یونس، ۱۸؛ یونس، ۳۵؛ یونس، ۵۳؛ یونس، ۵۹؛ یونس، ۶۸؛ رعد، ۱۶؛ ابراهیم، ۱۰؛ نحل، ۷۱؛ نحل، ۷۲؛ مریم، ۶۷؛ انبیاء، ۶۶؛ انبیاء، ۶۷؛ حج، ۴۶؛ مؤمنون، ۸۰؛ مؤمنون، ۸۵؛ مؤمنون، ۸۷؛ مؤمنون، ۸۹؛ نمل، ۵۹؛ نمل، ۶۱؛ نمل، ۶۲؛ نمل، ۶۳؛ نمل، ۶۴؛ قصص، ۷۱؛ قصص، ۷۲؛ عنکبوت، ۶۷؛ روم، ۸؛ روم، ۳۷؛ لقمان، ۲۰؛ سجده، ۴؛ سجده، ۲۷؛ سبأ، ۹؛ فاطر، ۴۰؛ یس، ۲۳؛ یس، ۳۵؛ صافات، ۹۵؛ صافات، ۱۵۵؛ صافات؛ ۱۵۶؛ فصلت، ۹؛ فصلت، ۵۳؛ احقاف، ۴؛ ق، ۶؛ ذاریات، ۲۰ و ۲۱؛ واقعه، ۵۸، ۵۹، ۶۳، ۶۴، ۶۸ و ۷۲؛ ملک، ۱۴؛ ملک، ۲۸؛ ملک، ۳۰؛ غاشیه، ۱۷ الی ۲۰.
أمَن – أقمَن	نمل، ۶۰ تا ۶۴؛ ملک، ۲۰ و۲۱؛ ملک، ۲۲؛ نحل، ۱۷.
هل	یونس، ۳۴؛ یونس، ۳۵؛ مریم، ۶۵؛ روم، ۴۰؛ فاطر، ۳؛ زمر، ۳۸؛ زمر، ۵۲؛ ملک، ۳.

نتیجه‌گیری

تفکر انتقادی به معنای تفکری استدلالی و منطقی است که فرآیند تفکر را با روش و قاعده کشف می‌کند. در استدلال‌های قرآنی نیز دعوت از مخاطب برای تفکر و اندیشیدن بوده و هدف اساسی استفهام و پرسش‌گری، طی کردن روندی منطقی برای رسیدن به نتیجه مطلوب است؛ بررسی آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که در تمامی آیات به صورت مستقیم یا غیر مستقیم نوعی تفکر انتقادی نهفته است.

در این نوشتار آیاتی که دربردارنده نوعی استفهام در رابطه با توحید است مورد مداقه قرار گرفته و روشن شد که استفهام به عنوان شیوه رایج در استنتاج مطالب، در قرآن کاربرد زیادی دارد و در این کتاب شریف، برای نائل شدن مخاطب به حقیقت و اعتقاد پایدار اغلب از استفهام انکاری و تقریری استفاده شده و هدف تمام استفهامات قرآنی، رسیدن مخاطب به تفکر منطقی و اصولی برای نیل به حقیقت است. بررسی بیش از ۲۳۰ آیه قرآن که به شکل استفهامی برای اثبات توحید استفاده شده، نشان می‌دهد که میان تفکر انتقادی و انواع استفهام ارتباط مستقیم برقرار

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

است؛ به‌گونه‌ای که این شیوه استدلال تمامی ویژگی‌ها و مراحل مختلف تفکر انتقادی را درون خود دارد و قاطعانه می‌توان گفت که قرآن کریم از تفکر انتقادی در انتقال مفاهیم و تربیت اندیشه انسان‌ها به‌خوبی بهره گرفته است.

منابع

- **قرآن کریم**

۱. احسانی، محمد، ۱۳۹۴، **تربیت عقلانی از منظر قرآن کریم**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲. برومند، محمدحسین، ۱۳۸۴، «**بررسی مبانی پرسش‌گری در قرآن کریم با تأکید بر اهم معانی استفهام**»، مجله پژوهش دینی، شماره ۱۲.

۳. داوری، مهدی، ۱۳۹۶، «**بررسی تطبیقی استفهام در دو سوره بقره و آل‌عمران از منظر علامه طباطبایی و زمخشری**»، مجله میثاق، شماره ۲.

۴. سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۱۰، **الاتقان فی علوم القرآن**، مصر: الهیئة المصریة العامة للکتاب.

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ه، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.

۶. ابن‌سینا، حسن بن عبدالله، بی‌تا، **شفای الهیات**، تهران: انتشارات بیدار.

۷. خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۸، **جنود عقل و جهل**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله.

۸. زمخشری، محمود، بی‌تا، **الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل**، بیروت: دارالکتاب العربی.

۹. سلطان القرایی، خلیل، ۱۳۸۷، **فلسفه تعلیم و تربیت و مکاتب تربیتی**، تبریز: دانشگاه تبریز.

۱۰. سیف، علی اکبر، ۱۳۷۹، **روان‌شناسی پرورشی نوین**، تهران: دوران.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

۱۱. صحرایی پاریزی، فاطمه، ۱۳۹۹، «**ارائه مولفه‌های تفکر انتقادی با توجه به تربیت آیه‌ای مستخرج از سوره بقره**»، نشریه علمی پژوهشی در مسائل تربیت، ش۴۷، صص۶۳- ۸۵.

۱۲. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۰، **تفسیر المیزان**، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.

۱۳. طبرسی، حسن بن فضل، بی‌تا، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ترجمه و تصحیح: رسول هاشمی، تهران: فراهانی.

۱۴. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰، **مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)**، بیروت: دارالفکر.

۱۵. قاضی مرادی، حسن، ۱۳۹۳، **درآمدی بر تفکر انتقادی**، تهران: نشر اختران.

۱۶. کریمیان، حسین، ۱۳۹۵، «**تفکر انتقادی و تربیت اسلامی، وجوه افتراق و اشتراک**»، فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی.

۱۷. محمدی پویا، فرامرز، ۱۳۹۳، «**تحلیل محتوای قرآن کریم بر اساس مفهوم تفکر انتقادی**»، مجله علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، شماره ۳.

۱۸. محمود یوسف، عبدالکریم، ۱۴۰۲، **اسلوب الاستفهام فی القرآن الکریم**، دمشق: مطبعۀ الشام.

۱۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲، **آشنایی با قرآن، جلد ۱۱**، تهران: صدرا.

۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۲، **ترجمه قرآن کریم**، تهران: عابد زاده.

۲۱. ملکی، حسن، ۱۳۸۶، «**پرورش تفکر انتقادی هدف اساسی تعلیم و تربیت**»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۹.

۲۲. نیازی، شهریار، ۱۳۹۶، «**پرسش‌گری خداوند در قرآن (مطالعه‌ی موردی: سوره یس)**»، مجله آموزه‌های قرآنی، شماره ۲۵.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]